

شهید محمد ترکی



ازتبار علی
سازمانه جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	محمد کاظم
تاریخ تولد	
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۸/۱/۱۳۶۸
محل شهادت	شوش
مسئولیت	بسیجی
نوع عضویت	بسیجی
شغل	محصل
تحصیلات	سیکل
مدفن	گلزار شهدای روستای راهدار

زندگینامه

وصیت نامه

وصیت نامه شهید محمد ترکی:

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و امت شهید پرور اسلام اینجانب محمد ترکی فرزند محد کاظم ساکن راهدار
برازجان وصیتم به پدر و مادرم این است که اگر به درجه رفیع شهادت نائل شدم هیچ گونه ناراحتی به خود راه
ندهید چرا که افتخاری بیشتر برای شما و میهن اسلامی می باشد. سعی کنید که دشمن در بین شما نفوذ نکند و حامی
قرآن و اسلام باشید. افراد را نسبت به رفتن به جبهه تشویق کنید و سپاه اسلام را تقویت کنید سعی کنید مناقان را
در بین افراد شناسایی کنید و آن ها را نصیحت کنید و اگر قابل نصیحت نیستند با آن ها مبارزه کنید و در پایان
امام را دعا کنید. در ضمن آخرین خطاب من به برادران بسیجی این است که مبادا خدای ناکرده زمانی پیش آید
که دست از بسیج و نگهبانی و پاسداری از خون شهیدان بکشید زیرا اگر چنین شود به حق روز ذلت ما فرا خواهد
رسید.

مصاحبه

صاحبه با مادر شهید:

قبل از تولد محمد به یکی از امام زاده ها رفته بودم در آن جا نذر کردم که خداوند فرزند پسری به من عطا نماید. بعد از تولد وی حاج سید باقر حسینی او را به نام محمد نام گذاری کرد. روز تولدش مصادف با وفات حضرت فاطمه الزهراء (س) بود. محمد با توجه به امکانات کم آن زمان در منزل خودمان متولد شد. در دوران خردسالی همیشه در مراسم مختلف از جمله نماز جماعت، مراسم عزاداری و اعیاد شرکت می کرد. به پدر و مادر و خواهر و برادر و بچه های خواهرش علاقه داشت داشته به تفریح و بازی علاقه زیادی نشان می داد ولی با وجود خردسالی بیشتر به من پدرش کمک می کرد.

از نظر فعالیت در مقایسه با دیگر فرزندانم جنب و جوش بیشتری داشت. همیشه از ما سؤال می کرد که چگونه می توان به فقیران و مستمندان کمک کرد.

محمد علاقه زیادی به درس خواندن داشت اما به علت نبود امکانات و شرایط نامساعد روستا و مدرسه و همچنین فقر مالی پدر شرایط جهت ادامه تحصیل چندان مساعد نبود. دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت پشت سر گذاشت.

با والدین محترمانه برخورد می کرد و احترام زیادی برای خواهرش قائل بود. با دوستان و همکلاسیان خود نیز با مهربانی رفتار می کرد.

همیشه در محافل قرآنی و دعای کمیل شرکت می کرد و بیشتر در مورد زندگی ائمه (ع) مطالعه می کرد.

بیشتر به درس علاقه داشت اوقات فراغت خویش را به ورزش کردن و دعا خواندن اختصاص می داد. محمد به پسر دایی و پسر عمویش - به دلیل این که دارای رفتار و ویژگی های اخلاقی خوبی بودند - علاقه زیادی داشت. وی روحیه ای اجتماعی داشت و از همان دوران جوانی با همسایگان و دوستان معاشرت می کرد.

از زمان جوانی رفتار و شخصیت وی تغییر یافته بود و حساسیت زیادی نسبت به خواهران خود - به خصوص در زمینه رعایت حجاب - داشته به امام علاقه زیادی داشت و سعی می کرد دستورات او را به خوبی انجام دهد.

به شخصیت محمد بهشتی علاقه زیادی داشت و اکثر کتاب های او را جمع آوری می کرد. شهید علاقه زیادی به بسیج و سپاه و جهاد در راه خدا داشت و آرزو می کرد که همیشه انقلاب اسلامی در تمام مراحل پیروزی گردد و سعی می کرد که در همه مراحل زندگی از وطن اسلامی دفاع نماید و همیشه آرزو داشت که در این راه شهید شود. از خصوصیات بارز اخلاقی ایشان صداقت، شجاعت، امانت داری، وفای به عهد، کمک به دیگران، خوش اخلاقی و معاشرت با دوستان و بستگان بود. همیشه سعی می کرد واجبات را به نحو احسن انجام دهد و بعضی از کارهای مستحبی را نیز انجام می داد. سعی می کرد همیشه در نماز جمعه و جماعت شرکت کند و به ائمه و اهل بیت (ع) و قرآن و دعا و راز و نیاز علاقه وافری داشت. سعی می کرد حق کسی را ضایع نکند. بیشتر اهالی روستا و اقوام و خویشاوندان او را دوست داشتند. وی در ۱۸ سالگی برای اولین بار به جبهه اعزام گردید. از رفتن به جبهه آن هم برای اولین بار بسیار خوشحال بود و به ما دلداری می داد و می گفت می روم و صحیح سالم برمی گردم.

در زمانی که در جبهه حضور داشت برای ما نامه می نوشت و همیشه در نامه هایش امام و دیگران را دعا می کرد. این نامه ها هم اکنون نزد خواهرش می باشد.

آخرین باری که به جبهه رفت از روحیه خوبی برخوردار بود و با همه اعضای خانواده عکس گرفت و می گفت: اگر شهید شوم برای من گریه نکنید و همیشه شاد باشید و همیشه در فکر قیامت و سؤال و جواب آن جا باشید.

دائیم خبر عروج ملکوتی شهید را به ما داد. خبر شهادت این عزیز ما را بسیار متأثر کرد. چهار روز بعد از شهادتش او را در روز پنج شنبه ۱۳۶۸/۱/۱۸ تا منزل گاه ابدیش - گلزار شهدای روستای راهدار - بدرقه کردیم.

مصاحبه با دوست و هم‌رزم شهید:

علیرضا ترنج مهرگان فرزند عوض متولد ۱۳۴۸ محل تولد آبادان.

از کودکی با شهید بچه محل بودیم و رفت و آمد خانوادگی داشتیم و در یک کلاس درس می خواندیم. از همان آغاز جنگ علاقه خاصی به حضور در جبهه داشتوی فردی مومن و متعهد به نظام اسلام و دین بود. و همیشه دوستان خود را به تقوای الهی و عبادت پروردگار توصیه می کرد.

از ویژگی های اخلاقی ایشان رئوفت و مهربانی و دلسوزی نسبت به هم‌رزمان و دوستان خود بود. محمد فردی ساده و خاکی و بزرگوار بود و با دوستان و هم‌رزمان خود رابطه ی بسیار دوستانه و خوبی داشت.

محمد از بچه های بسیجی مومن و متعصب بود و در فعالیت های مختلف از جمله فعالیت های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ورزشی شرکت می کرد. وی همیشه پشتیبان و یاور ولایت فقیه و امام بود و تأکید می کرد که هیچ وقت امام را تنها نگذارد.

وی نقش روحانیت را بسیار مهم و ثمر بخش و امیدوار کننده می دانست فراخور تحصیل و سواد و اقتضای سنی خود نسبت به حوادث انقلاب دید باز و بالایی داشت. ایشان در مواجهه با بحران ها و مشکلات خیلی صبر و تحمل داشت و هیچ گاه شتاب و عجله نمی کرد.

نحوه شهادت ایشان نیز بدین گونه بود که در روز ۱۳۶۸/۱/۱۷ اقرار بود تا ظهر همان روز در خط باشیم و بعد از ظهر به مقر برگردیم. تا برای آمدن به منزل آماده شویم. حدوداً ساعت ۱۰ صبح بود که یک خمپاره ۶۰ جلولی پای ایشان به زمین خورد و ایشان به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

خاطرات

برادر شهید:

همه خانواده محمد را دوست داشتند و چون با همه رفتار خوب و مناسب داشت در بین همه ما محبوب بود. از دوران نوجوانی رفتار و شخصیت ایشان تغییر یافت و رفتار و کردارش از قبل نیز بهتر و دوست داشتنی تر شد. رفتارش با اعضای خانواده بسیار صمیمی بود و به پدر و مادرمان احترام می گذاشت و نسبت به سایر اعضای خانواده نیز محترمانه برخورد می کرد.

محمد با خواهران بیشتر ارتباط داشت و همیشه به او سفارش می کرد که رهرو حضرت فاطمه الزهراء (س) باشد و دین خود را سالم نگه دارد. به علت کوچک نفسی و خوش اخلاقی همه او را دوست داشتند. با دوستان خود صمیمی بود و همیشه می گفت: دوستی انتخاب کنید که از همه لحاظ از شما بهتر باشد تا بتواند راهنمای شما به سوی خوبی ها و نیکی ها شود.

شهید از دوران کودکی به نماز و ذکر خداوند و قرآن مجید علاقه داشت و همیشه توصیه می کرد در نماز جماعت شرکت کنیم و خودش نیز همیشه در نماز جماعت شرکت می کرد.

او امام علی(ع) را الگو و سرمشق خود قرار داده بود و امام خمینی(ره) را رهبر خود می دانست و به دستور او به جبهه اعزام شد. همیشه آرزو می کرد که در خدمت پدر و مادر خود باشد و بزرگترین آرزویش شهید شدن در راه خدا بود.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران